

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دمیتری سدوف (Dmitriy Sedov)

برگردان از: ا. م. شیری

۱۳ می ۲۰۱۹

اردوگاههای مرگ دوايت آيزنهاور

"هر که ناموخت از گذشت روزگار، هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار"

تمام تاریخ امریکا گواه است که هر که چهره خبیث رژیم امپریالیسم امریکا را شناخت، لاجرم به قربانی جنایات هولناک آن بدل شد!

آخرین راز کثیف جنگ جهانی دوم

از دیدگاه رسانه های غربی روز پیروزی بزرگ وجود ندارد، هر چند که خلقهای اروپا و امریکا هم در آن سهم داشتند. در تارنمای بی بی سی در رابطه با روز ۹ ماه می در یادداشت کوتاهی، چنین فکری القاء می شود که در روسیه تصویر ستالین -فرمانده پیروزی از گذشته باز می گردد، اما آنها جنایت او را فراموش می کنند. آخرین نظرسنجی ها رشد نگاه مثبت نسل جوان روسیه به ستالین را ثابت کردند.

با این حال، نویسنده در این باره از تعمق هراس دارد. نه فقط به این دلیل که ادعان به نقش ستالین برای او دشوار است، بلکه، به این سبب که مجبور است اعمال غیرقابل قبول فرماندهی متحد را هم بیان کند. فقط رجوع به واقعیتها کافیهست که تصویر پیروزمندان غربی واژگون شود.

طرز رفتار امریکائی ها با اسرای جنگی المان یکی از فاجعه بارترین صفحات پایان جنگ جهانی دوم است. افشای این واقعیت پذیرفته نبوده، اما هیچ سرّی نیست، که آشکار نشود. در سال ۱۹۸۹ کتاب **جمیس باک** (James Bacque) تحت عنوان "اردوگاه مرگ آیزنهاور. آخرین راز کثیف جنگ جهانی دوم"، حاوی شواهدی که تاریخنگاران غربی هیچ علاقه ای به دیدن آنها ندارند، انتشار یافت.

در پایان جنگ، امریکائی ها با سیل عظیم سربازان تسلیم شده ارتش ورماخت مواجه شدند. تعداد اسیران فقط در اراضی اشغال شده المان به ۲ و نیم میلیون نفر رسید. مطابق کنوانسیون ژنیو، سه حق اسیران جنگی تضمین شده است: حق تغذیه و اسکان در شرایط مساوی با همان معیارهایی که پیروزمندان از آنها استفاده می کنند؛ حق ارسال و دریافت نامه؛ بازدید هیأتهای نمایندگی سازمان صلیب سرخ جهانی از آنها برای تنظیم و ارائه گزارش به "طرف مدافع"، که اساساً سوئیس در نظر گرفته شده است.

اما در عمل به ترتیب زیر اتفاق افتاد:

در تاریخ ۲۶ اپریل سال ۱۹۴۵ دوایت آیزنهاور فرمانده کل نیروهای مسلح امریکا تشکیل نوع جدید اسیران - نیروهای خلع سلاح شده دشمن را تصویب نمود. طبق این اختراع امریکائی ها، کنوانسیون ژنیو شامل حال اسیران المانی نمی شد و حق تغذیه از آنها سلب می گردید، اولین سری اسیرای جنگی المانی که به دست امریکائی ها افتادند، در ۴ ماه می سال ۱۹۴۵ وضعیت "نیروهای خلع سلاح شده دشمن" را کسب کردند. وزارت دفاع امریکا در همان روز، حق ارسال و دریافت نامه را از اسیران جنگی سلب نمود. پس از چند روز وزارت خارجه امریکا به اطلاع کمیته صلیب سرخ جهانی رساند، که ضرورت بازدید هیأت نمایندگی صلیب سرخ جهانی از اردوگاهها منتفی شده است.

اسیران المانی در اردوگاههای امریکا نه تنها از دیدار با ناظران مستقل، حتی از امکان ارسال و دریافت مراسلات پستی، بسته های غذایی، لباس یا دارو از طریق سازمانهای انساندوست محروم گردیدند.

وارد کردن اسیران جنگی المان در لیست "نیروهای خلع سلاح شده دشمن"، دست امریکائی ها را برای ایجاد شرایط به نوعی بدتر از شرایط اردوگاههای مرگ هیتلری باز گذاشت.

بیش از دو میلیون نفر اسیر المانی را در ۱۹ اردوگاه بزرگ در اراضی غیرقابل سکونت و محصور در میان سیمهای خاردار در اطراف رود راین جای دادند. در این اردوگاهها خانه های چوبی، مستراح، آب و آشپزخانه های ابتدائی وجود نداشت. اسیران برای بقاء و حفاظت خود در مقابل هوای نامساعد به زندگی در روی زمین باز و حفر لانه مجبور بودند. با این حال، کندن لانه را قدغن و لانه ها را با بولدوزر صاف کردند. بسیاری از اسیران که ضعیف شده بودند، نتوانستند از لانه ها خارج شوند و در زیر چرخهای بولدوزرها کشته شدند.

تغذیه تا حد غیرقابل تحملی ضعیف بود. این در حالی بود که انبارهای خواربار و داروی قطعات ارتش امریکا در پشت جبهه تا حد ترکیدن پر بودند.

هیچ گونه کمک پزشکی وجود نداشت. اسیران از گرسنگی و تشنگی در رنج و عذاب بودند. میزان مرگ و میر، به خصوص، در نتیجه اسهال خونی افزایش یافت. کمیته های دفن، مردگان را روی هم می انباشتند، به گودالها می ریختند و روی آنها آهک می پاشیدند.

جمیس باک در کتاب خود خاطرات یکی از اسیران را نقل کرده است:

"اردوگاه بعدی رمهین در کنار رود راین بود. ۴۰۰۰۰۰ هزار نفر در یک اردوگاه. شرایط بسیار دهشتناک بود. ۲-۳ روز به ما غذا نمی دادند، و ما از راین آب می نوشیدیم. ما برای دریافت نیم لیتر آب) "سوپ قهوه ای" (عصر هنگام به صف ایستاده بودیم. مسوول جوشاندن آب اسهال خونی گرفته و مثل اغلب موارد در مستراح مرده بود. در اینجا درختان میوه وجود داشت، اما بعد از چند هفته چیزی از آنها باقی نماند. ما شاخه ها را می شکستیم، آتش میا فروختیم، آب می جوشاندیم و برای هر دو نفر یک سیب زمینی می پختیم. به هر ۴۰ نفر یک کیلوگرم نان می دادند. در چنین شرایطی، در هفته ۱۰۰۰ نفر می مرد. ما چنان ضعیف شده بودیم که قدرت ایستادن و راه رفتن نداشتیم - این خاطره برای همیشه در حافظه من ثبت شده است."

جمیس باک می نویسد: "این را می خواهید بیرحمی بنامید، می خواهید انتقام بنامید، می خواهید کینه توزی بنامید، اما میلیونها اسیر المانی در اسارت امریکائیها مردند". تعیین شمار دقیق آنها بر اساس بررسی پرسشنامه های تنظیم شده اسیران جنگی در اردوگاههای امریکا ممکن بود. اما معلوم شد یک و نیم میلیون میلیون فقره از دو و نیم میلیون پرسشنامه نابود گردیده است و افراد مذکور در آنها، به عنوان "گم شدگان" اعلام شده است. احتمال دارد این هم تعداد واقعی المانی های کشته شده در اردوگاههای امریکا باشد.

روند محاکمه جنایتکاران نازی در دادگاه تاریخی نورنبرگ آغاز شده بود، با این حال، پیروزمندان امریکائی همچنان به قتل عام انسانهای اسیر در دره رود راین مشغول بودند .

در باره بیرحمی آیزنهاور، که موجب مرگ بیش از یک میلیون نفر اسیر گردید، توضیحات مختلفی وجود دارد . اما این توضیحات هر چه باشند، اتحاد شوروی به رغم تحمل تلفات غیرقابل مقایسه در این جنگ، تا چنین جایگاه سیاهی سقوط نکرد.

و این بخشی از واقعیت راستین جنگ جهانی دوم است.

<https://www.fondsk.ru/news/2019/05/09/lagerya-smerti-duajta-ejzenhauera-48158.html>

۲۲ اردیبهشت - ثور ۱۳۹۸